

خاطره‌ای خواندی از شهید چمران

۲۹ اسفند ۱۳۹۳ ساعت ۲۰:۳۳

من ممکن است نتوانم این تاریکی را از بین ببرم، ولی با همین روشنایی کوچک، فرق ظلمت و نور و حق و باطل را نشان می‌دهم و کسی که دنبال نور است، این نور هر چقدر کوچک باشد، در قلب او بزرگ خواهد بود.

یک شب در تنهایی همانطور که داشتم می‌نوشتم، چشمم به یک نقاشی که در تقویمی چاپ شده بود، افتاد. یکی از نقاشی‌ها زمینه‌ای کاملاً سیاه داشت و وسط این سیاهی، شمع کوچکی می‌سوخت که نورش در مقابل این ظلمت، خیلی کوچک بود. زیر نقاشی به عربی شاعرانه‌ای نوشته شده بود:

«من ممکن است نتوانم این تاریکی را از بین ببرم، ولی با همین روشنایی کوچک، فرق ظلمت و نور و حق و باطل را نشان می‌دهم و کسی که دنبال نور است، این نور هر چقدر کوچک باشد، در قلب او بزرگ خواهد بود.»

آن شب، تحت تاثیر این شعر و نقاشی خیلی گریه کردم

خاطره‌ای از شهید دکتر مصطفی چمران

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۶۸۲/خاطره-ای-خواندی-از-شهید-چمران>